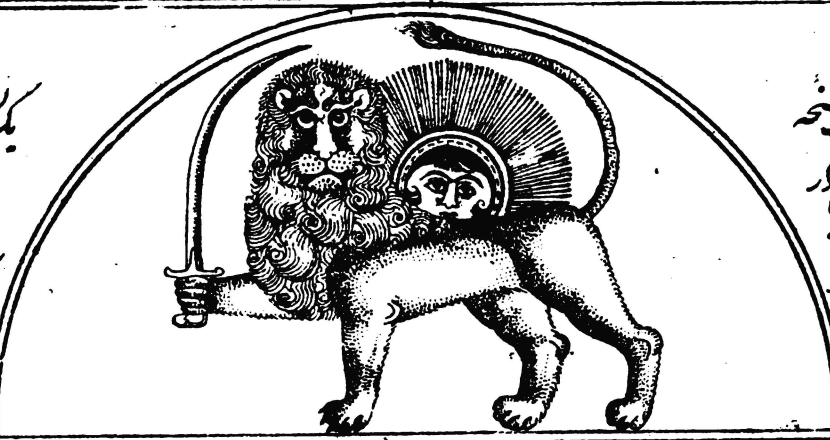


روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ روز پنجشنبه و نیم ماه رجب المرجب مطابق سال سیچقان میل ۱۲۶۸

قیمت روزنامه
یک شش ماهی
قیمت اعلانات
یک سطر تا چهار سطر
بیشتر بر مبنای
قیمت روزنامه



نزدیکت و محبت
بر سر و طرفین طالب
لین روزنامهها در بار
جدید و دوکان جدید
بلور و سر و نوشته

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

پادشاهی بنواب شاهرخ میرزا رحمت دو اگذار کردید

دار الخلافه طهران

چون حسب الامر اعلیحضرت پادشاهی اختیار حکومت عراق در بده السید سیچقان سید بنیاد مقرب الخاقان ستوفی الما رحمت دو اگذار کردید و است مقرب الخاقان مشارالیه نیز عالیجاه الطغلی خان نایب مقرب الخاقان اجودان با بر حسب حکم هایون از جانب خود بنیابت حکومت عراق معین و روانه داشتند

چون بر سال بعد از عید نوروز سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی نظر فرموده است که در باره علمای اعلام و مجتهدین ذوی الاحرام و فقه المذاهب دارنده بجا چند نفر از رؤسای علماء و مجتهدین شده آنها را ببندیل توجیه ملوکانه فرین اعزاز فرمودند لهذا در روز یکشنبه بیست و هفتم ماه گذشته نظر بقاعده سهاله بجا چند نفر از علماء و مجتهدین تشریف فرما شده بذل التفات دربار آنها سفر نمودند

چون مقرب الخاقان عباسقلیخان سرتیپ نوری در صفحات خراسان مصدر خدمات نمایان گردیده و خاطر اقدس هایون اعلیحضرت پادشاهی را از حسن اتمام در خدمات محوله بخود خورسند داشته بود لهذا اولیای دولت قاهره حسب الاشارة العلییه یک رشته حامل سرتیپ اول سرتیپ مقرب الخاقان مشارالیه عنایت و رحمت فرموده و او را با اعطای حامل منور بین الامثال و الافسران قرین مفاخرت و مباحات داشتند

در روز یکشنبه بیست و نهم ماه گذشته موکب هایون اعلیحضرت پادشاهی بقصر قاجار تشریف فرما شدند و سواره غلام و عنیره با آراستگی تمام در حضور هایون سنان این اوقات اولیای دولت قاهره حسب الاشارة العلییه حکومت خوی را بنواب شاهزاده محمد رحیم میرزا رحمت دو اگذار نمودند و فرمان حکومت و خلعت مهر طلعت صادر و با افتخار نواب سرتیپ ایله ارسال گردید و همین حکومت و ولایت خنجال حسب الامر اعلیحضرت

علی حضرت پادشاهی که در روز سه شنبه قصر قاجار تشریف فرما
 شده بودند در مراجعت از آنجا چون بجناب جلالت آید صدر
 قوتی عارض شده بود آنوقت فرموده بر رسم عیادت بخان
 جناب معینت الیه تشریف بردند
 شکل پول شدیم که در شهر شوش پیدا کرده و بدو از مخالفان آن



از قریب که مالجه بقرب آنخان میرزا جعفر خان شیراز و این دفعه
 در ضمن نوشتهجات خود باولایای دولت علیه نوشته بود در شهر شوش
 شوش واقعه و چهار فرسخی شوش آثار عمارت های بسیار سنگین از
 زیر خاک بیرون آمده است از جمله عمارت پارت شیر دراز دست
 داشتلی بی شش ستون سنگ یک پارچه است و فاصله هر
 هفت ذرع و بلند است و بنا بعلت افتادن و شکسته شدن تاقی
 آنها معلوم نیست و لکن از زیر ستون و سر ستون که اکثرش صورت
 گوساله و غیره دارد معلوم میشود که ستونها بسیار بلند بوده است
 با وجود اینکه در صحای عربستان یک کره و یک پارچه سنگ پیدا
 نمی شود سی و شش زیر ستون هم در پیش روی عین عمارت بود
 او پیدا شده است دلالت میکند که آنجا جایی سلام بوده است
 این عمارت در طریح و وضع مثل تخت جمشید است و هیچ تفاوت
 ندارد بعضی از ستونها بخل سیرانی و کلدی نوشته دارد که حوادث

معظم را خاک نموده اند و اکثر آجرها که شصت و هشت من وزن داشتند
 با خطوط مشتمل بر احوالات نقوش است در بالای یک عمارت قدیمی
 پول سفید بخت کوفی بیرون آمده است معلوم میشود که بعد از غلبه
 عرب این پولها را دفن کرده اند و تقصیر سنگهای این پولها ازین
 قرار بوده است بضره و مشین و ایط مز و هرات نیز با پولها
 اصطخر یکی از آنها را که سکه واسط است بعنوان نمونه نزد اولیای
 دولت علیه فرستاده اند که صورت آن در بالای این صفحه
 نوشته و چاپ شد و این صورت که کشیده شده است مانند
 همین پول است که نمونه آورده اند و صورت سکه هر دوروی پول
 که خط کوفی بود بعینها نوشته شد و دو صورت دیگر همان
 عبارت سکه است که بخط نون نوشته شد تا واضح باشد
 تاریخ سکه این پول در سنه یکصد و پنج است که هزار و صد و
 سال قبل ازین ایام باشد و تعجب است که بعد ازین مدت
 چگونه تازه و مصفا مانده است

چونکه رشادت و شجاعت از جمله صفات ممدوح و پسندیده
 و سزاوار تعریف و توصیف است لهذا جلالت و شجاعتی که
 این اوقات از چند نفر تفنگداران علی حضرت شایسته ای اتفاق
 افتاده است نوشته میشود از قرائن و شجاعتی که از شاهزاده
 بطام رسیده و چند نفر از تجار و غیره نیز من حیث الرؤیه نقل
 کردند قافله و زوار که از خراسان می آمده اند باین منزل می آید
 و شاهزاده نزدیک قلعه رحمت آباد قریب سیصد نفر سواره
 ترخان آمده سر راه قافله و زوار را گرفتند بوده اند و هفت نفر
 از تفنگداران علی حضرت پادشاهی که بعد از انجام ماموریت از
 خراسان مراجعت کرده سر راه قافله و زوار بوده اند یکی از آنها
 که مصطفی قلی خان مقدم است اقدام بجلا دت نموده با تفنگ

دو لوله بجلو سواره مزبور رفته دو سه تیر خالی کرده و سایر
 تفنگ داران نیز فرسج بیک و قابیک و شاه پلنگ بیک
 و عیسی بیک شتاقی و عیسی بیک مزیدی و رضا قلی بیک
 باشند متعاقب شازا البه خود را باند در سانه اند اول
 چون زوار و قافلده کم بوده اند کمال وحشت داشته اند
 بعد از تنور و جرئت تفنگداران مزبور که چند نفر از آنجا
 و اسبهای آنها را پتیر زدند که یکی را مرده و چند نفر
 دیگر را زخمی از زخمگانان بردی اسب انداخته و سه نفر اسیر
 که همراه داشتند بجا گذاشته بر کشتند اهل قافلده
 که بعضی از آنها استجار بودند و خواه عمده داشتند بگذاشتند
 و اطمینان بجرأت و جلالت تفنگداران مزبور بمنزل رسیده
 و این کمال رشادت است که هفت نفر رفع حمله
 سید سواران جمع قافلده و زوار کرده باشند

سایر ولایات

عربستان از فرار یک در روزنامه اولایت نوشته بود
 بلده حنرم آباد چون آب جاری نداشت اهل آنجا
 بواسطه کم آبی و نبودن آب جاری بعشرت و تنگدستی
 بوده اند نواب شاهزاده احتشام الدوله حکمران عربستان
 در استان و بختیاری و غیره در یک فرسخی شهر
 مزبور آثار خیریه از قدیم یافته اند محض رفاه حال
 اهل بلده مزبور و حصول دعا کونی بجهت دولت جاویدت
 علیه هنر مزبور را حفز نموده و آب را در محلات خرم آباد
 جاری ساخته اند و اهل آنجا ازین رکبند سه آسوده و مرفه
 گردیده و عریضه پامهر بسنی بر اظهار شکر گذاری و دعا
 کوئی بدر بار مسایون فرستاده اند

در اوقاتیکه نواب شاهزاده احتشام الدوله در شوشتر
 توقف داشته اند بعزم شکار بلوک موسوم بعقل
 رفته بوده اند بعد از آنکه رسیدگی در امر رعایای آنجا نموده
 بلوک عقلی حبسی که از قدیم داشته است بسبب برطرف
 شدن خلق آن از طاعون آن جمیع قدیم از نیشتر
 بعل نی آمده است و بسیارترین دیوانی مقصد تو مان
 جمع آنجا را بر شمار تقسیم کرده بوده اند و هر سال از
 سر شمار می گرفتند و باین سبب اغلب رعایای
 آنجا متفردی شده بوده اند نواب معززی لیس
 بلاخط حنرانی بلوک مزبور و پریشانی رعایای آنجا
 سر شمار آنها را قسم تخفیف داده اند و امید است که
 بعد ازین آنجا تجلیه آبادی در آید

پل شوشتر را چنانچه در روزنامه های سابق نوشته
 شده است نواب شاهزاده احتشام الدوله حکم آویزا
 دولت علی بی می ساختند چون در سال گذشته تمام
 نده بود در ایام بارندگی و طغیان آب چند حشته
 از اسبیل برده بود درین اوقات نواب معززی لیس
 آدم و پستاد عمده و مصالح و ضروریات آنجا را مهیا نمود
 و در پستاده اند که وقتیکه آب فروشت مشغول کار و اتام
 آن باشند

در شوشتر آنجا چندی بود که موقوف شده بود درین اوقات
 اولیای دولت قاهره فرزند که داشته اند که باز از قدیم ضرر آنجا
 در آنجا راه بیفتد و سکه شایانند سایر ولایات رواج باشد
 و مقرب آنجا خان میر الممالک خرابی با آنجا مشخص کرده و سکه
 سکه با آنجا فرستاده و در کارند

آذربایجان

از قراریکه در روزنامه آذربایجان نوشته بودند در روز ششم ماه جمادی الاول که عید سعید سلطانی بود نواب شایسته حضرت حشمت الدوله صاحب مملکت آذربایجان سلام عبد نمودند و بگل امنا و اعیان آذربایجان و غیره خلعت دادند و شاهزادگان عظام و علما و فضلا کلا در مجلس نواب شایسته بودند بعد از خوانده شدن خطبه و دعا کوفی دوام دولت جاوید باد علیحضرت پادشاهی شینلیک توپ بحکم مقرب الخاقان نظام شده و شاه عید بهی جا کران دادند

دوم چنین در روز چهارشنبه آخر سال نوشته بودند که نواب شایسته الدوله مقرب الخاقان وزیر نظام و حکام ولایات آذربایجان و سایر نیر سپان و سرهنگان معتبرین جا کران دولت علیه را در باغ ابدی باغی خودشان بهمانی دعوت فرمودند و هر کس موافقشان خود در جانی از اطاعت داشته بعد از صرف شیرینی و نهار بدعا کوفی دوام دولت علیه مشغول شدند این اوقاب حسب حکم نواب شایسته الدوله نواب عالی قلی حاکم مرآت و عالیجاه محمد رضا خان حاکم اردبیل و عالیجاه حاجی شریف خان حاکم شقانی و عالیجاه محمد حسین خان نسفی با حاکم خوئی و سکناس و عالیجاه قاسم خان جارچی باشی حاکم قرآجه داغ و عالیجاه محمد حسن خان حاکم مشکین برانی محاسبه خودشان وارد تبریز شده اند که محاسبه خود را در دفتر خانه انجام فرودن سازند

مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان خواه نظام موافق معمول سنه ماهی بهمه ولایات آذربایجان علی قدر مراتب تقسیم شده و از جانب نواب شایسته الدوله بصواب دید مقرب الخاقان وزیر نظام

ارقام صادر شد که از قرا قضا تا آخر سال خواه قضا نظام را بهمه دوسم چنین احکام صادر شده است که موجب استماع فواج قاهره مأمورین و انجلا فراه از محل خودشان در اول سال با فواج مفصله بهمه

فوج بهادران ابوالجمع عالیجاه
فوج مخبران ابوالجمع عالیجاه
آقا جان خان سرهنگ
قاسم خان سرهنگ

فوج شازدهم ابوالجمع عالیجاه
فوج فرمانیه ابوالجمع عالیجاه
ابوطالب خان سرهنگ
علی نقی خان سرهنگ

دو فوج بهمه هشتم ابوالجمع
عالیجاه عسکر خان سرهنگ

حسب احکام اولیای دولت علیه کتابت معاینه امراض و غیره با سه نموده اند عالیجاه حاجی میرزا جبار ناظم المهام یکصد جلد از آن کتابها به دار السلطنه تبریز فرستاده بود نواب شایسته الدوله کتابهای مزبور را بولایات آذربایجان فرستاده اند که اطباء و علما و عموم ناسن سنه ملاحظه نموده در وقت ضرورت از آنرا معمول دارند

نواب میرزاده بهادر میرزا که مدتی ناخوش بود بر حمت بزرگی سپهت شاهزادگان عظام و کل جا کران تشییع جنازه حاضر شده با کمال اغرا و احترام جنازه او را بقعه جناب سید حمزه علیه الرحمه برده اند و نواب حشمت الدوله نیز در سه روز با نام تعزیه هر روز بجلس تعزیه رفته و همه اغرا با تعزیه را از خود داده اند

اخبار دول خارجه

پانچ روزنامه های آخر که از فرنگستان بهما شین روزنامه رسیدن پارس بیت و بهتم ربيع الاول بود و از لندن پست پنجم ماه مزبور اخباری که در آنها بود درین روزنامه موافق تفصیل نوشته و چاپ میشود

فراشه

بناد آنکه مقصود بوزن آنکه در شهرهای بریت وراثش فزوت و
 و طول آن که از شهرهای معتبر فزانه است نگاه داشته اند بمالک خارج
 ولایت فرانسه فرستند خصوصه بگویند و بعضی جامای دیگر درین شهرها
 حاکمش هزار نفر مقصود دارند و سه هزار نفر ازین مقصود خودشان
 خواهر کرده اند که در عوض این که درین شهرها محسوس اند اخراج
 بشوند و سبب نفر از آنها را در میان کشتی گذاشته و بخارج فرستادند
 و این سبب نفر بنا و سنگتراش و نجار و صنعت کاران دیگر بودند
 و با فو لایتهما که رسیدند هر یک مشغول کار و صنعت خود خواهند بود
 بعد از تسلط شدن لوی ناپلیان در مملکت فرانسه قرار گذاشته اند
 که هر کس که میخواهد روزنامه چاپ بزند باید تخواهی در نزد دیوان
 بگذارد که اگر تقصیر کند یا چیزی چاپ بزند که خلاف قاعده دولت
 یا باعث یا غی شدن خلق شود همین تخواه او بعنوان جرمیست و دیوان
 باشد سابقا این تخواه بجهت روزنامهها که هر روز چاپ میزنند
 میت و چهار هزار فرانک بود که دو هزار و چهار صد تومان پول ایران
 باشد حال پنجاه هزار فرانک است که پنجاه هزار تومان پول ایران
 باشد این قرار را بجهت پای تخت و بلوکات اطراف داده اند و در
 سایر ممالک فرانسه در شهرهایی که پنجاه هزار پوستر جمعیت دارند
 باید دو هزار و پانصد تومان در نزد دیوانیان بگذارند و از برای
 که در شهرهای کوچک و قصبه چاپ میزنند هزار و پانصد تومان
 میبختن شده است صاحبان روزنامهها که الان هستند دو ماه مهلت
 دارند که این تخواه را تدارک نمایند سابقا از روزنامه نویسان
 که روزنامه چاپ میزدند دیوان از هر روزنامه چند شاهی توجیه
 میکردند و هر دولتی میزدند و آن روزنامه را در ممالک فرانسه
 بی اخراجات دیگر هر جا که میخواهند میفرستادند حال قرار گذاشته اند

که آن توجیه که از روزنامهها میگردانند زیاد بکنند و غیر ازین هم
 اجرت این کاغذها را وقتیکه سایر بلوکات مملکت فرانسه میفرستند
 بگردانند و این قرار را گذاشته اند بجهت روزنامههایی که اخبار بریت
 در دو گدای دیگر تعجب میکنند که سخت گیری باین شدت در خبر
 روزنامه نویسان چرا کرده اند و بسیاری از روزنامههای فرانسه
 همین سبب موقوف خواهد شد چونکه بسیاری از روزنامهها آنقدر نخواهد
 اندازند که در نزد دیوانیان بگذارند و در آنجا بی منفعت بماند سابقا بعضی
 چیزها در مملکت فرانسه قاعده آزادی داشتند خصوص در باب اخبار
 نویسی حال همه در زیر حکم دیوان است
 در روزنامه سترز بوزن که یکی از شهرهای معتبر فرانسه میباشند نوشته اند
 که گمان نیست که قشون فرانسه را زیاد بکنند مگر آنچه سابقا قرار گذاشته
 بودند که بگیرند و زیر جنک اذن داده است که هر کس میت منشی
 تمام شده باشد مرخص است که در خانه خودش بماند و لازم نیست که
 در رکاب حاضر شود قشون ساحلوی بعضی ولایات فرانسه را از جمله
 آلتاشس و لورین ببنند میماند که پیش ازین بود بعضی مردم میگفتند که
 دولت فرانسه بنای جنک داشته و لکن ازین مرحله معلوم است که
 امنسای این دولت خیال جنک نداشته اند و ایشان بصلح بود
 درین روزنامه واجب بعضی از ایلیان دولت فرانسه را زیاد کرده اند
 از جمله واجب اخراجات غیر کبیر فرانسه را که در لندن بمقیم حبت
 پنجاه هزار تومان زیاد کرده اند و همچنین واجب اخراجات روز اخبار فرانسه
 مقیم برلین پای تخت پروسیته و وینته پای تخت آستریته برلین
 زیاد شده است این موجهها را بجهت این زیاد کرده اند که سترای
 اتحاد دول مله و ضلع و جلالی کشایسته ولایتان دولت
 فرانسه است راهبروند و این مراتب را عیامت آن میداند که دولت

فرمانده طالب جنگ نیست معلومست که منظورشان نیست

بدول دیگر صلح و رقار است

شخصی پوشتر نام را که مباشر اطلاق اموال لومی فلیب پادشاه

سابقه فرانس بود درین روزها در پاریس با تخت فرانسه

مجلس کرده اند و پیش ازین میگویند که این شخص میخواست

بکند که مال لومی فلیب و اولاد او از دستشان بیرون نرود درین

کاغذها نوشته و کتابچهها چاپ کرده بود که ثابت نماید که گرفتن

اموال لومی فلیب ناخاست

سویس

بسیاری از فرایحای فرانسه و استریت که هم سرحد مملکت

سویس اند از ولایت خود فرار کرده و پناه بخاک ولایت سویس

آورده اند و از آنرا که در آن ولایت قاعده از ادبیت همگس متراض

احوال آنها شده است باز دخل و تصرف در امورات ولایات

خودشان می کنند و چونکه بیم گرفتاری بدستشای دول خود

ندارند و اینستند با کمال جرات افساد و آشوب در آن ولایات

برپا می کنند درین روزها دولتین فرانسه و استریت از دولت

سویس هوش کرده اند که این فراریها را از ولایت خودش

بیرون بکنند و اگر بیرون نکند باعث مکالمات سخت مابین دول

شود و آنها که با نگرانی آیند معلومست که با اذن دولت خودشان

با آنجا آمده اند و بطور توقف در ولایت سویس ندارند و میروند

از آنجا عبور کرده بولایت انگلیس بروند هر کس با بیطو بد کرده با

بیاید و بخواهند راه بپند سرحد داران باید تختش بکنند و

بدانند که بقدر بیت تو مان خرمی دارد که خودش را بولایت انگلیس

برساند یا نه و اگر نداشته باشند فرار این است که حد داران

انهارا راه ندهند بعضی از مردمان تند مزاج ولایت سویس از این

تخلیف دولتین فرانسه و استریت بسیار خجسته خاطر شده اند

و صلحت داشتند بودند که خلق را بجناب طلبند که سلاح حرب

پوشیده ز رفع حمله دولتین فرانسه و استریت را بکنند که بناحق

دخل و تصرف با امورات مملکت سویس کرده با تخلیف دولتین

در روزنامه بهین طور چاپ زده اند اول این بود که هر یک از

فراریها را که دولت فرانسه خواهدش کند باید از سویس بیرون

و طوری بکنند که روزنامه نویسان سویس ضرب دولت

فرانسه را بخیرند چا کران دولت سویس فرایحای فرانسه

جمع کردند و از آنها سوال کردند که آیا میخواهند در آن ولایت

با نند یا از آنجا بروند آنها که طالب رفتن بودند بولایت دیگر

و تخلیف دولتین فرانسه و استریت را هیچ درین باب قبول نکردند

که فراریها را برزور آن ولایت بیرون بکنند المپی دولتین

که در مملکت سویس ساکن است با آنها گفته بود که صلاح این مملکت

درین بود که آنچه بتوانند تخلیف دولتین استریت و فرانسه را قبول

کرده و ممضی بدانند

احوال استریت

در روزنامه های دولتی که در استریت چاپ میزند خلق را اعلام

کرده اند که اگر کسی راه آهن را که بجهت تردد کال که بخار ساخته اند

عمدا خراب بکند مورد مواخذه دیوانیان می شود و اگر چنین خراب

بکند که کال که از آن خرابی میفتد و بشکند کسی تلف شود همان

شخص را که این راه را خراب کرده است قصداً واجب محبت است

و امنای دولت او را سیاحت خرابند

در مملکت مجارستان یک املاک بزرگ که مال یکی از خاندانین آن

قطعه بطور سراج درین روزها فروختند و آن املاک

بسیار بزرگ بود و دست همشاد و دو پارچه کردند چونکه در مملکت

بجای حاکمان املاک از جمله خوانین اند اینطور املاک در وقت کین
دیگران برسد خلاف قاعده بق ملکت مجاریستان میداند
اگر بعد ازین چنین کاری بکنند قرار مگداری در آن ملکت طرز دیگر
خواهد شد

در سیزده بلوک کن بود بدین جهت آن کم بود و ملکشان وسیع
معمور درین ایام از بس که این ولایت ترقی کرده معمور آباد شده است
چنانچه در خلق آنجا را می شمارند در آنوقت بلوکات که معمور بودند
اکثر نزدیک بحج مجط الملتیک بودند حال ملکشان از دریا تا دریا

در شهرها مکان که شهریت در کنار ملکت چین و در دست دولت
انگلیس است آتش فکاده و پانصد خانه با بهره سوخت است
و مکان دارند که کار در آن بوده باشد که این کار را کرده اند که در
بین آتش گرفتن شهر که مردم مشغول بخودستند کارسخت خودشان را
پیش برند از آزار که در اول آتش چند چاره کوچک ترکیب و
بود که این چاره را دوستی انداخته اند که آنجا را آتش نزنند حال
آنجا چادر و خانه های فی و غیره داده است بجه مردمی که خانه
سوخت است که پرنجی نکشند و آذوقه غیره نیز بآنجا داده است
و بسیاری از اهل چین هم در این آتش تلف شده اند و نفوس

میر و عیسی انجیر مجط الملتیک تا بحج مجط معتدل سی و یک
بلوک بسیار بزرگ است و بسیار جاهای آنجا که تا این ایام تا
نزدیک جنگل بود و هیچ آبادی نداشت حالا شهرهای بزرگ معتبر
شده و رودخانه های که هیچ کشتی در آنجا دیده نشده بود حالا
کشتیهای بزرگ در آنها تردد می کنند و هیچ ملکتی از روی
زمین باین زودی اینقدر ترقی حاصل شده است و در هیچ
نوشته اند که خلقی چنین ترقی بکنند و کارشان اینطور پیش برود
و پیش ازین بزرگی و غیرت و کار و روزی اهل آنجا میداند و از آن وقت
که دولت جدا گانه شده اند تا بحال همینها معنادار است

اعلانات

صاحب تصب انگلیس که یکی سرهنگ توچانه و یکی نایب توچانه
در این آتش گرفتن تلف شده اند توچان و محمد حسین انگلیس
که در آنجا بودند بیرون آورده بودند که آتش خاموش بکنند چند
خانه بسیار و انداختند که آتش آنجا نهی دیگر سرت نکند
بار و طرز و در آنوقت که منظور داشتند آتش گرفتند
زخمها برداشتند و بعد از آن فوت شد اما نقش نایب در میان
آتش ماند و چنان سوخت که از زخم و سوختن اثری نماند و کشته شد

کتابهای چاپی که در کارخانه حاج عبدالعزیز با سببی در نزدیکی
در وازه دولا ب چاپ شده از اینقرار و فروخته می شود
کتاب شاهنامه چهار تومان و نیم
کتاب معراج السعاده دوازده هزار
کتاب خزانه نظامی نه هزار
کتاب جوهری شش هزار
کتاب مالک ششومان

در ایامی که اهل سبکی دنیای شمالی که از اولاد انگلیس بودند با اهل
انگلیس بودند که از ولایت خودشان رفته و در آنجا ساکن شدند و
لذ دولت انگلیس با غمی شدند و بعد از جنگ جدا شده و دولت جمهوری
جدا گانه شد بیشتر از پیش که وجهت داشتند و این شکر و رحمت

کتاب مدارک سه تومان
کتاب کسکول هفت هزار
کتاب قاموس دو تومان
کتاب تفسیر نامه پنج هزار